

کتاب یوئیل و کلیسای ادونتیست روز هفتم لائودیکه — شماره بیست و هفتم

Jeff Pippenger

2026-01-14

شماره بیست و هفتم

ما در حال ثبت حقایق هستیم که شیر سبط یهودا اکنون در حال گشودن مهر آنهاست. ما حقایق را در کنار یکدیگر قرار می‌دهیم تا پیام یوئیل را مورد خطاب قرار دهیم؛ پیامی که پطرس در کتاب اعمال آن را پیام باران آخر شناسایی کرد. ما به حقایق نزدیک می‌شویم که اکنون در فرایند تحقق یافتن‌اند، به‌عنوان حقایق که جدایی نهایی دو طبقه‌ای را به انجام می‌رسانند که هرگاه حقیقتی آزمون‌کننده از مهر گشوده شود، همواره ظاهر می‌گردند. همچنین همین حقایق مهرگشوده را نه فقط به‌عنوان سخنان فرشته سوم که جدایی می‌افکند، بلکه نیز به‌عنوان سخنانی مورد توجه قرار می‌دهیم که مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار تن را به انجام می‌رسانند. فرشته سوم هم پاکسازی می‌کند و هم تطهیر.

از ژوئیه ۲۰۲۳، شیر سبط یهودا به‌تدریج حقایق مرتبط با خطوط خارجی و داخلی در تاریخ قوم باقیمانده خدا را مهرگشایی کرده است. اکنون کتاب متی را می‌گشاییم، به‌منظور درک نقش پطرس. پطرس نماد رابطه عهدی مسیح با عروس مسیحی اوست—کلیسایی که او آن را بر صخره بنا می‌کرد. پطرس نمایانگر نخستین و نیز آخرین عروس مسیحی است. پطرس در آیه میانی فصل‌های یازدهم و بیست و دوم متی به‌عنوان همان نماد بازنمایی شده است، و آن فصل‌ها فصل‌های میانی خطوط موازی پیدایش و مکاشفه، از فصل یازدهم تا بیست و دوم، هستند. پطرس در ایام آخر نماینده یک‌صد و چهل و چهار هزار است، و در آن بخش، او در قیصریه فیلیپی است، که همان پانیوم دانیال ۱۱:۱۳-۱۵ است.

پطرس در پانیوم است، و او همچنین در روز پنتیکاست، در بالاخانه در ساعت سوم، و سپس در هیکل در ساعت نهم قرار دارد. این شش ساعت نمایانگر آن دوره زمانی است که طی آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر مهر می‌شوند و این تا پیش از فرارسیدن قانون یکشنبه ادامه دارد. مصلوب شدن مسیح نیز در ساعت سوم آغاز شد و او در ساعت نهم جان سپرد، که به رستاخیز انجامید؛ رستاخیزی که فصل پنتیکاستی را آغاز کرد، فصلی که با حضور پطرس در پنتیکاست در ساعت سوم و نهم به پایان رسید. هنگامی که عنایت الهی انجیل را به سوی امت‌ها فرستاد، کرنیلیوس در ساعت نهم به دنبال پطرس فرستاد. ساعت سوم همچنین نمایانگر قربانی صبحگاهی بود و ساعت نهم قربانی شامگاهی را نشان می‌داد.

دوره شش‌ساعته به‌وسیله دوره اجتماع اردوگاهی اکسپتر و نومییدی عظیم ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به‌تصویر کشیده شد. در کتاب اعمال، پطرس در پایان باب اول، آنگاه که یهودا با متیاس جایگزین می‌شود، چنین به‌تصویر درآمده است که با دیگرانی که صد و چهل و چهار هزار را تشکیل می‌دهند به یگانگی می‌رسد. در آن هنگام، شمار کامل شده است. در این روایت، یک سیر پیشرفت مشخص شناسایی می‌شود.

پطرس نخست در بالاخانه است، و سپس در هیکل. هنگامی که او در بالاخانه است، ساعت سوم است، و در هیکل، ساعت نهم. ارائه در ساعت سوم، تعمید سه هزار جان را پدید آورد.

پس آنان کہ کلام او را با رغبت پذیرفتند، تعمید یافتند؛ و در همان روز قریب بہ سه ہزار جان بر ایشان افزودہ شد۔ اعمال ۲:۴۱

از شمارش پایان فصل اول تا معبد در ساعت نہم، این دورہ نمایانگر مہر شدن صد و چہل و چہار ہزار تن است۔

یکصد و چہل و چہار ہزار نفر، پیام آمرزش بہ واسطۂ ایمان را عرضہ خواہند کرد، کہ همان پیام فرشتہ سوم در حقیقت است۔ آمرزش، عمل خداست در بہ خاک افکندن جلال انسان، چنان کہ خواہر وایت بہ درستی بدان اشارہ کردہ است۔

«توجیہ بہ ایمان چیست؟ این کار خداست در آن کہ جلال انسان را بہ خاک افکند و برای انسان آنچہ را بہ جا آورد کہ در توان او نیست برای خود انجام دہد۔ ہنگامی کہ آدمیان نیستی خویش را می بینند، آمادہ می شوند تا بہ عدالت مسیح ملبس گردند۔ چون آغاز می کنند کہ تمامی روز خدا را حمد و تمجید نمایند، آنگاہ بہ واسطۂ نگریستن، بہ همان صورت دگرگون می شوند۔ تجدید حیات چیست؟ این است کہ بر انسان آشکار سازد کہ طبیعت حقیقی خود او چیست، و این کہ در خود بی ارزش است۔ این درس ہا را شما ہرگز نیاموختہ اید۔ آہ، کاش می توانستید ارزش جان انسان را دریابید۔» Manuscript Releases، جلد 20، ص. 117۔

د پیغام د توجیہ یوہ بېلگہ، لکه څن گہ چې دا د یو سل او څلوېښت زرو له خوا وړاندې کېږي، جدعون دی، چې د عہد سړی دی، څ کہ چې د هغه نوم یربعل ته وړول شو۔ د جدعون پیغام په دې کې نغښتی و چې هغه یوہ بلېدونکې مشعل په یوہ خاورین لوبښي کې کېښوده، بیا یې لوبښي مات کړ، شپېلۍ یې ووہلہ او چیغہ یې کړه: «د څښتن او د جدعون تورہ»۔ د جدعون تورہ د څښتن تورہ هم وه، څ کہ تورہ د خدای کلام دی، چې د الوہیت او انسانیت گډ ترکیب دی۔ همدا پیغام د شپېلۍ او د هغه د نارې په وسیلہ څرگند شو، هغه مهال چې لوبښي یې ماتہ کړ۔ لوبښي انسانیت دی، چې باید مات شي، یا خاورې ته تېر او فروتن کړل شي، تر څو د خدای د رڼا جلال وځلېږي۔

پیش از اعلام پیام، جدعون از طریق فرایندی آزمون گرانہ سیصد مرد را گرد آورد۔ ہنگامی کہ آن فرایند بہ پایان رسید، جدعون سیصد مرد در اختیار داشت۔ عدد ۳۰۰، عشر آن سه ہزار نفری است کہ در پنتیکاست بودند۔ آنان نمایانگر آن لشکری هستند کہ در حزقیال سی و ہفت برانگیختہ می شود و بہ عہد جاودانی داخل می گردند۔

پس من چنان کہ او مرا امر فرمود، نبوت کردم؛ و روح در ایشان داخل شد، و زندہ گردیدند، و بر پای های خویش ایستادند؛ لشکری بسیار عظیم۔ آنگاہ بہ من گفت: «ای پسر انسان، این استخوان ہا تمامی خاندان اسرائیل هستند؛ اینک ایشان می گویند: استخوان های ما خشکیدہ است، و امید ما از میان رفته است؛ ما از ہر سو بریدہ شدہ ایم۔» حزقیال ۳۷:۱۰، ۱۱

خاندان اسرائیل اپنے اپنے حصّوں کے اعتبار سے جدا کر دی گئی ہے، اور حزقی ایل یہ واضح کرنے والا ہے کہ یہوداہ اور افرائیم کے وہ حصے جو کاٹ کر جدا کیے گئے تھے، ایک قوم بن جائیں گے۔ وہ لشکر دو عصاؤں پر مشتمل ہے جو جدا جدا رہے تھے، مگر جب وہ خدا کے ساتھ عہد میں داخل ہوتے ہیں تو ایک عصا بن کر باہم پیوست ہو جاتے ہیں۔

مزید برآں، میں اُن کے ساتھ سلامتی کا عہد باندھوں گا؛ وہ اُن کے ساتھ ابدی عہد ہوگا؛ اور میں اُنہیں قائم کروں گا، اور اُنہیں بڑھاؤں گا، اور اپنا مقدس اُن کے درمیان ہمیشہ کے لیے قائم کروں گا۔ میرا مسکن بھی اُن کے ساتھ ہوگا؛ ہاں، میں اُن کا خدا ہوں گا، اور وہ میرے لوگ ہوں گے۔ اور قومیں جان لیں گی کہ میں خداوند اسرائیل کو مقدس کرتا ہوں، جب میرا مقدس اُن کے درمیان ہمیشہ کے لیے ہوگا۔ حزقی ایل 26:37-28۔

«قوم‌ها خواهند دانست که خداوند» اسرائیل را تقدیس می‌کند، آنگاه که مقدس خویش را در میان ایشان قرار دهد. پیوستن مقدس خدا به قوم خدا، نمودار پیوستن هیکل انسانی با هیکل الهی است، و هنگامی که این واقع شود، آن سیصد تن امین خدا مهر می‌شوند، و جهان تنها از طریق دیدن قومی که در خلال بحران قانون یکشنبه تقدیس شده‌اند، می‌تواند هشدار یابد.

obra del Espíritu Santo es convencer al mundo de pecado, de justicia y de juicio. 1903”
El mundo solo puede ser amonestado al ver a aquellos que creen la verdad santificados por la verdad, actuando conforme a principios elevados y santos, mostrando, en un sentido alto y sublime, la línea de demarcación entre los que guardan los mandamientos de Dios y los que los pisotean. La santificación del Espíritu señala la diferencia entre los que tienen el sello de Dios y los que guardan un día de reposo espurio. Cuando llegue la prueba, se mostrará claramente cuál es la marca de la bestia. Es la observancia del domingo. Los que, después de haber oído la verdad, continúan considerando santo este día, llevan la señal del hombre de pecado, el cual pensó en cambiar los tiempos y la ley.” Bible Training School, 1 de diciembre de 1903”

معبد خداوند به کلیسای او ملحق می‌شود آنگاه که کلیسا از کلیسای مجاهد به کلیسای ظافر دگرگون می‌گردد. عهده‌ی که حزقیال بدان اشاره می‌کند، در پیوند با به‌هم‌پیوستن دو چوب مطرح می‌شود که یک امت را تشکیل می‌دهند.

به ایشان بگو: خداوندگار یهوه چنین می‌فرماید: اینک من چوب یوسف را که در دست افرایم است، و اسباط اسرائیل را که رفیقان اویند، خواهم گرفت و آنها را با آن، یعنی با چوب یهودا، یکی خواهم ساخت، و آنها را یک چوب خواهم گردانید، و در دست من یک خواهند بود. و چوب‌هایی که بر آنها می‌نویسی، در دست تو پیش چشمان ایشان خواهد بود. و به ایشان بگو،

خداوندگار رب فرماتا ہے: دیکھو، میں بنی اسرائیل کو اُن قوموں کے درمیان سے، جہاں جہاں وہ چلے گئے ہیں، لے آؤں گا، اور اُن کو ہر طرف سے جمع کروں گا، اور انہیں اُن کی اپنی سرزمین میں پہنچاؤں گا۔ اور میں انہیں اسرائیل کے پہاڑوں پر اُس ملک میں ایک ہی قوم بناؤں گا؛ اور ایک ہی بادشاہ اُن سب کا بادشاہ ہوگا؛ اور وہ پھر کبھی دو قومیں نہ ہوں گے، اور نہ پھر کبھی دو سلطنتوں میں بالکل تقسیم کیے جائیں گے۔ اور نہ وہ پھر اپنے بتوں سے، نہ اپنی مکروہ چیزوں سے، اور نہ اپنی کسی خطا سے اپنے آپ کو ناپاک کریں گے؛ بلکہ میں انہیں اُن کی سب رہائش گاہوں سے، جن میں انہوں نے گناہ کیا ہے، نجات دوں گا، اور انہیں پاک کروں گا؛ سو وہ میری امت ہوں گے، اور میں اُن کا خدا ہوں گا۔ حزقی ایل 19:37-23۔

عصای افرایم و عصای یهودا همان دو پراکندگی ۲۵۲۰ ساله علیه افرایم و یهودا هستند که به ترتیب در سال ۱۷۹۸ و ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به پایان خود رسیدند. آنان در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، هنگامی که کار تطهیر قوم او، یا قدس او، آغاز شد، به یک ملت واحد اسرائیل روحانی معاصر تبدیل شدند. آن تاریخ، نمونه‌ای است از تاریخ یکصد و چهل و چهار هزار نفری که به وسیله رسول عهده، که ناگهان در قانون یکشنبه به هیکل خود می‌آید، پاک و مصفا (تطهیر) خواهند شد. هنگامی که آن پالایش به انجام برسد، درست اندکی پیش از قانون یکشنبه، کلیسای ظافر پادشاهی بر خود خواهد داشت، و آن پادشاه داوود است که سلطنت خود را در سی سالگی آغاز کرد. همان داوودی است که در باب اول متی، چهاردهمین نسل از ابراهیم است. این، سومین شاه داوود را در قانون یکشنبه مشخص می‌سازد. آن لشکر عظیمی که از دو عصا برپا می‌شود، زمانی که کلیسا از گروبیان پاک گردد، به وسیله داوود پادشاه رهبری می‌شود.

و بنده من، داوود، بر ایشان پادشاه خواهد بود، و جملگی ایشان یک شبان خواهند داشت؛ و ایشان نیز در احکام من سلوک خواهند نمود، و فرایض مرا نگاه خواهند داشت و آنها را به جا خواهند آورد. و در زمینی که آن را به بنده خود یعقوب داده‌ام، که پدران شما در آن ساکن بوده‌اند، ساکن خواهند شد؛ و ایشان و فرزندان ایشان و فرزندان فرزندان ایشان تا ابد در آن ساکن خواهند بود؛ و بنده من، داوود، تا ابد امیر ایشان خواهد بود. حزقیال ۲۴:۳۷، ۲۵

آن لشکر، همان کاهنان باب دوم اول پطرس نیز هستند، که چون خدمت خود را آغاز می‌کنند، سی‌ساله‌اند.

شما نیز، همچون سنگ‌های زنده، بنا کرده می‌شوید تا خانه‌ای روحانی و کهناتی مقدس باشید، تا قربانی‌های روحانی را که به واسطه عیسی مسیح مقبول خداست، تقدیم کنید. اول پطرس ۲:۵

آن کابنوں کی تمثیل اُن تین سو میلری واعظوں میں بھی پائی جاتی تھی جنہوں نے شائع ہونے والے 1843 کے تین سو چارٹ لے لیے اور اُن چارٹوں کو اپنی نسل تک پیغام پہنچانے کے لیے استعمال کیا۔

«پس از اندکی گفت‌وگو درباره این موضوع، به اتفاق آرا رأی داده شد که سیصد نسخه دیگر همانند این، به شیوه سنگ‌نگاری تهیه شود، و این کار به زودی انجام گرفت. آنها را «نمودارهای 43» می‌نامیدند. این کنفرانسی بسیار مهم بود.» زندگی‌نامه خودنوشت جوزف بیتس، 263.

«اکنون تاریخ ما نشان می‌دهد که صدها نفر بودند که همگی از همان نمودارهای زمانی‌ای تعلیم می‌دادند که ویلیام میلر تعلیم می‌داد، و همه از یک سنخ بودند. پس در آن زمان یگانگی پیام، همگی بر یک مضمون واحد بود: آمدن خداوند عیسی در زمانی معین، یعنی ۱۸۴۴.» Joseph Bates, Early SDA Pamphlets, 17

آن ۳۰۰ واعظ میلیتری کار خود را در خلال تاریخ فرشته اول به انجام رساندند، و الهام به ما آگاه می‌سازد که فرشته اول نمونه فرشته سوم است. ایشان، به گفته جوزف بیتس، «همه از یک مهر بودند.» جدعون به سپاه سیصدنفری خود دستور می‌دهد که همان‌گونه که او انجام داد، عمل کنند. آن ۳۰۰ واعظ میلیتری، که به وسیله سپاه سیصدنفری جدعون تمثیل شده بودند، باید در ۱۱ سپتامبر هم‌صف گردند، جایی که پیام اول قدرت می‌یابد و آزمون آغاز می‌شود.

پس یربعل، که همان جدعون است، با همه قومی که با او بودند، بامدادان برخاستند و در کنار چاه خارود اردو زدند؛ و لشکر مدیانیان در جانب شمال ایشان، نزد تپه موره، در دره بود. و خداوند به جدعون گفت: «قومی که با تو هستند، از آن بسیاریند که من مدیانیان را به دست ایشان بدهم، مبدا اسرائیل بر من فخر کند و بگوید: "دست خودم مرا نجات داده است." پس اکنون، در گوش قوم ندا کن و بگو: "هر که ترسان و هراسان است، بازگردد و بامدادان از کوه جلعاد روانه شود."» و از قوم، بیست و دو هزار تن بازگشتند، و ده هزار تن باقی ماندند. و خداوند به جدعون گفت: «قوم هنوز بسیاریند؛ ایشان را نزد آب فرود آور، و من آنان را در آنجا برای تو بیازمایم؛ و چنین خواهد شد که هر که را به تو بگویم: "این یکی با تو خواهد رفت"، همان با تو خواهد رفت؛ و هر که را به تو بگویم: "این یکی با تو نخواهد رفت"، همان نخواهد رفت.»

پس او قوم را به کنار آب فرود آورد؛ و خداوند به جدعون گفت: «هر که آب را با زبان خود بنوشد، چنان که سگ می‌لیسد، او را جداگانه برپا دار؛ همچنین هر که برای نوشیدن بر زانوهای خود خم شود.» و شمار کسانی که آب را با دست به دهان خود رسانیده می‌نوشیدند، سیصد مرد بود؛ اما تمامی باقی قوم برای نوشیدن آب بر زانوهای خود خم شدند. داوران ۷:۱-۶.

نام جدعون به یربعل تغییر می‌یابد، به معنای «با بعل به ستیز برخاستن». جدعون به معنای «قطع‌کننده» است، و یحیی تعمیددهنده تبر را بر پای درخت نهاد. یحیی نمونه ویلیام میلر بود، پیام‌آور

فرشته اول، و جدعون در همین نقطه انطباق می‌یابد. جدعون در تاریخ سه فرشته، میلر است، ایلیای آلفا.

مדיانیان دشمن شمالی‌اند، و در کنار تپه موره اردو زدند، و جدعون نزد چاه حارود بود، که معنای آن خوف و هراس است. ۱۱/۹ تروریسم را معرفی کرد و نخستین پیام، دعوتی است به ترسیدن از خدا. جدعون در ۱۱/۹، نزد چاه حارود (تروریسم) است، و دشمن شمالی در وادی، نزد تپه موره قرار دارد، که معنای آن باران اول است. در ۱۱/۹، پاشیدن باران آخر، که همان باران اول است، از تپه موره آغاز به باریدن کرد. پس از نخستین دو آزمون، آن بیست و دو هزار نفر از کوه جلعاد به خانه فرستاده شدند. جلعاد به معنای «راه‌نشان» است، و راه‌نشانی که در آن بیست و دو هزار نفر به خانه فرستاده شدند، نخستین نومیدی ۱۹ آوریل ۱۸۴۴ یا ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ است. عدد بیست و دو، راه‌نشان نخستین نومیدی را مشخص می‌کند، همان‌گونه که ۲۲ روزی را معین می‌سازد که در آن نومیدی عظیم در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ فرا رسید.

آزمون بعدی، آزمون آب بود که در تاریخ میلری به وسیله گردهمایی اردویی Exeter به تصویر کشیده شده است؛ جایی که دو خیمه مرتبط با آب وجود داشت، و بدین‌سان نمایانگر دو طبقه از عبادت‌کنندگان بود. Exeter به معنای «دژ بر آب» است، و خیمه دیگر را باکره‌گان جاهل از Watertown اشغال کرده بودند. Exeter نمایانگر آزمون آب جدعون است، اما مسئله چندان خود آب نبود، بلکه روش‌شناسی‌ای بود که برای نوشیدن آب به کار گرفته می‌شد. یک طبقه بیش از آن خسته بود که در هنگام برگرفتن آب به حرکت ادامه دهد، و طبقه دیگر به پیش رفتن ادامه می‌داد. یک طبقه، طبقه خسته بود که به وسیله لیه، در تقابل با راحیل که مسافر نیکو بود، نمایانده شده است.

خدمت Future for America در واقعه ۱۱ سپتامبر، همان جدعون بود، آنگاه که نخستین دو آزمون، گروهی بزرگ را از میان فوج جدعون تصفیه می‌کرد. تروریسم ۱۱ سپتامبر، چاه حارود را با ترس و هراس مشخص می‌سازد، و تپه موره آغاز باران آخر را مشخص می‌کند. جدایی‌ای در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ رخ داد، آنگاه که بیست‌ودو هزار نفر رفتند، و بدین‌سان با عدد بیست‌ودو، فرارسیدن زمان درنگ را نشان‌گذاری کردند. آن سیصد تن جدعون کسانی‌اند که از آزمون دوم می‌گذرند؛ یعنی آزمون روش‌شناسی باران آخر، چنان‌که در اشعیا بیست‌وهشت مشخص شده است.

پطرس هم در پانیوم حضور دارد و هم در پنتیکاست. پنتیکاست همان قانون یکشنبه است، و دانیال یازده آیه شانزدهم نیز همان قانون یکشنبه است. آیات سیزدهم تا پانزدهم فصل یازدهم دانیال، پانیوم هستند، و آن آیات نمایانگر تاریخ نبوی بیرونی‌اند که به قانون یکشنبه منتهی می‌شود؛ و پطرس در اعمال، در ساعت سوم و نهم، نمایانگر تاریخ نبوی درونی است که به قانون یکشنبه منتهی می‌شود. خط بیرونی، تاریخی را که به نشان وحش می‌انجامد شناسایی می‌کند، و خط درونی، تاریخ مهر شدن صد و چهل و چهار هزار را مشخص می‌سازد. از آنجا که پطرس در هر دو تاریخ بیرونی و درونی که اکنون در حال تحقق‌اند، نمادی چنین مهم است، مناسب به نظر می‌رسد که پطرس در آن بافت نبوی قرار داده شود که در زیر قرائت سطحی کتاب مقدس جریان دارد.

?Las doce profecías mesiánicas que en el libro de Mateo aparecen señaladas como cumplidas representan la historia de los ciento cuarenta y cuatro mil. El "tiempo del fin" señala el comienzo de un movimiento reformador, y así como el nacimiento de Aarón y de Moisés marcó el "tiempo del fin" en la línea de Moisés, el alfa de Cristo, del mismo modo el nacimiento de Juan y de su primo Jesús marcó el "tiempo del fin" en 1989. Considerar si vale la pena examinar las doce profecías mesiánicas resulta aún más intrigante cuando se lo sitúa en su contexto al plantear otra pregunta. ¿Qué otro libro bíblico señala tantos

cumplimientos mesiánicos como los que se encuentran en Mateo

«کار خدا بر زمین، از عصری به عصر دیگر، در هر اصلاح عظیم یا جنبش دینی، شباهتی چشمگیر نشان می‌دهد. اصول رفتار خدا با انسان‌ها همواره یکسان است. جنبش‌های مهم زمان حاضر، همتای خود را در جنبش‌های گذشته دارند، و تجربه کلیسا در اعصار پیشین، برای زمان ما درس‌هایی بس گران‌بها دربردارد.» The Great Controversy, 343.

هر جنبش اصلاحی نقطه آغازی دارد که در کتاب دانیال «زمان آخر» نامیده شده است. زمان آخر در جنبش اصلاحی مسیح، ولادت او بود که هم 1798 و هم 1989 را به‌طور نمادین پیش‌نمایی می‌کرد،

نخستین نشانه راه مسیحایی—۱۹۸۹

اور انہوں نے اُس سے کہا، یہودیہ کے بیت لحم میں؛ کیونکہ نبی کی معرفت یوں لکھا گیا ہے: اور اے بیت لحم، یہوداہ کی سرزمین میں، تو یہوداہ کے حاکموں میں ہرگز سب سے چھوٹا نہیں؛ کیونکہ تجھ ہی میں سے ایک فرمانروا نکلے گا، جو میری قوم اسرائیل کی گلہ بانی کرے گا۔ متی 2: 6.

پیش‌گویی

اما تو، ای بیت لحم افراते، هرچند در میان هزاران یهودا کوچک باشی، با این همه از تو برای من کسی بیرون خواهد آمد که بر اسرائیل فرمانروا باشد؛ و منشأهای او از قدیم بوده است، از ایام ازل. میکاه ۵: ۲.

۱۹۸۹ زمان انتها برای جنبش فرشته سوم بود. این زمان ۱۲۶ سال پس از شورش ۱۸۶۳ فرا رسید، و به‌وسیله رونالد ریگان و جرج بوش پدر به نمایش گذاشته شد. زمان انتها در تاریخ موسی، تولد هارون و موسی بود؛ همان‌گونه که زمان انتها در تاریخ مسیح، تولد یحیی تعمیددهنده و مسیح بود. هنگامی که کتاب دانیال گشوده می‌شود، چنان‌که در ۱۹۸۹ گشوده شد، افزایشی در معرفت پدید می‌آید. آن افزایش معرفت به نشانه دوم می‌انجامد و مشخص می‌سازد که چه زمانی پیامی آزمون‌کننده از دانشی که گشوده شده بود، شکل می‌گیرد.

هر جنبش اصلاحی نقطه‌ای را نشان می‌دهد که در آن پیام صورت‌بندی می‌شود و از آن پس به پیامی آزمون‌کننده بدل می‌گردد. مسیح همواره پیش از آنکه مردان و زنان را در قبال آن آزمون مسئول بدارد، ماهیت آن را از پیش تبیین می‌کند. به آدم و حوا از پیش گفته شد که اگر نافرمانی کنند چه پیامدهایی رخ خواهد داد، و خدا هرگز تغییر نمی‌کند.

و خداوند خدا آدم را امر فرموده، گفت: از همه درختان باغ بی‌ممانعت بخور؛ اما از درخت معرفت نیک و بد از آن مخور؛ زیرا در روزی که از آن بخوری، یقیناً خواهی مرد. پیدایش ۱۶: ۲، ۱۷.

ویلیام میلر پیام آزمون فرشته اول را در سال‌های 1831 تا 1833 «صورت‌بندی» کرد. پیام یکصد و چهل و چهار هزار نفر در سال 1996، با انتشار مجله Time of the End که شش آیه آخر دانیال یازده را در بر می‌گیرد—آیاتی که در 1989 مهرگشایی شدند—صورت‌بندی شد. در همان سال، نشریه‌ای با عنوان Prophetic Time Lines نیز منتشر شد و روش‌شناسی‌ای را ارائه کرد که بیست‌ودو بار نیرومندتر از قواعدی است که ویلیام میلر پذیرفته بود. این قواعد اکنون در نشریه Prophetic Keys ارائه شده‌اند. قواعدی که همه کسانی که پیام فرشته سوم را اعلام می‌کنند به کار خواهند بست، همان قواعد میلر است.

«کسانی که در اعلان پیام فرشته سوم مشغول‌اند، بر همان مبنایی که پدر میلر اختیار کرده بود، کتب مقدس را جست‌وجو می‌کنند.» Review and Herald، 25 نوامبر 1884.

قواعد میلر الفا هستند و «کلیدهای نبوی» امگا۔ تنہا راہ عبور از پیام آزمون کنندہ نبوی، بہ کارگیری روش شناسی مطالعاتی است کہ در کلام خدا ترسیم شدہ است۔ پیام حقیقی را نمی توان از روش شناسی حقیقی ای کہ آن پیام را استوار می سازد جدا کرد۔ در ہر جنبش اصلاحی، پیام آزمون کنندہ آن نسل مطرح می گردد، و این پیام، روش شناسی درست را نیز بہ عنوان عنصری از نشانہ راہ در بر می گیرد۔ پیام میلر بر پایہ گشودہ شدن مہر کتاب دانیال استوار بود۔ پیام او، پیام جدعون بود، زیرا آن نیز سپاہی از سیصد نفر پدید آورد۔

اور اس نے ان تین سو آدمیوں کو تین دستوں میں تقسیم کر دیا، اور ہر ایک کے ہاتھ میں ایک نرسنگا، خالی گھڑے، اور گھڑوں کے اندر چراغ دیے۔ پھر اس نے ان سے کہا، میری طرف دیکھو اور ویسا ہی کرو؛ اور دیکھو، جب میں لشکرگاہ کے بیرونی کنارے پر پہنچوں گا تو جیسا میں کروں گا ویسا ہی تم بھی کرنا۔ جب میں اور میرے ساتھ کے سب لوگ نرسنگا پھونکیں، تو تم بھی تمام لشکرگاہ کے چاروں طرف نرسنگے پھونکنا اور کہنا، خداوند کی تلوار، اور جدعون کی۔ قضاۃ 18-7:16۔

پیام میلر «شیپور» و «شمشیر» بود۔ با این حال، آن شمشیر، ہم شمشیر جدعون بود و ہم شمشیر خداوند۔ کلام خداوند در سال 1611 منتشر شد، و 220 سال بعد، میلر پیام خود درباره فرشتہ اول را منتشر کرد۔ اعلامیہ استقلال در سال 1776 منتشر شد، و 220 سال بعد، در 1996، پیام فرشتہ سوم منتشر گردید۔ پیام میلر، پیام درونی فرشتہ اول برای قوم خدا بود، چنان کہ در رؤیای نہر اولای بہ تصویر کشیدہ شدہ است، و گشایش داوری را اعلام می کرد۔ پیام فرشتہ سوم Future for America، پیام بیرونی قوم خداست، چنان کہ در رؤیای نہر حداقل بہ تصویر کشیدہ شدہ است، و پایان داوری را اعلام می کند۔

مَنْهَجِيَّةُ النَّبُوَّةِ تُمَثِّلُ بِإِحْدَى النُّبُوتِ الْمَسِيحِيَّةِ الَّتِي عَيْنَهَا مَتَّى عَلَى أَنَّهَا قَدْ اكْتَمَلَتْ فِي الْمَسِيحِ، وَبِذَلِكَ تُمَثِّلُ سَنَةَ 1831، حَيْثُ يُمَثِّلُ «الْأَب» ابْنَهُ فِي 1996. وَشَاهِدًا الْمَنْهَجِيَّةِ هُمَا أَلْفٌ وَأَوَمِيحًا، وَمَعَ مِشَارَكَةِ الرَّسُولِ الْبَشَرِيِّ، يُقِيمَانِ مَعًا عِلَاقَةً أَبٍ وَابْنٍ، وَهِيَ الْعِلَاقَةُ الَّتِي تُمَثِّلُ رِسَالَةَ إِبِلْيَا فِي مَلَاخِي. فَتَرْتَدُّ قُلُوبُ الْأَبَاءِ إِلَى الْأَبْنَاءِ، وَكَذَلِكَ قُلُوبُ الْأَبْنَاءِ إِلَى الْأَبَاءِ. وَيَنْبَغِي أَنْ تُضَمَّ قَوَاعِدُ مِلَّرَ إِلَى الْقَوَاعِدِ الْمُسَمَّاةِ «مَفَاتِيحُ نَبُوَّةٍ». وَيَجِبُ أَنْ يَبْنِيَ النُّورُ الْجَدِيدُ عَلَى النُّورِ الْقَدِيمِ. أَمَّا الَّذِينَ يَخْتَارُونَ أَلَا يَسْتَعْمِلُوا مَنْهَجِيَّةَ 1831 وَ1996 فَهُمْ مَلْعُونُونَ. فِتْنَةٌ مَلْعُونَةٌ، وَالْآخَرَى مَبَارَكَةٌ. فَالِاخْتِيَارُ اخْتِيَارُكَ؟

دومین نشانہ راہ مسیحایی — ۱۹۹۶

تا آنچه بہ وسیلہ نبی گفتہ شدہ بود بہ انجام رسد کہ گفت: «دہان خود را بہ مثلہا خواہم گشود؛ و چیزہایی را بر زبان خواہم آورد کہ از بنیاد عالم پنهان داشتہ شدہ اند.» متی 13:35

پیشگویی

میں تمثیل میں اپنا منہ کھولوں گا؛ میں قدیم زمانہ کی پراسرار باتیں بیان کروں گا۔ زبور 78:2۔

امثال غامض؛ وہ تمثیلات جنہیں یہوداہ کے قبیلہ کا شیر "ادا کرتا ہے"، اُن سچائیوں کی سطر بہ سطر پیشکش کی نمائندگی کرتی ہیں جو دنیا کی بنیاد رکھے جانے سے مہر بند، یا مخفی رکھی گئی ہیں۔ جب یہ پیغام باقاعدہ صورت اختیار کر لیتا ہے، تو اس کے بعد نبوت کی ایک تکمیل کے ذریعے اسے قوت بخشی جاتی ہے، جو آزمائش کے ایک زمانے کے آغاز کی نشان دہی کرتی ہے۔

ہنگامی کہ باران اخیر در 11 سپتامبر 2001 آغاز بہ باریدن خفیف کرد، عصیان 1888 و عصیان قورح تکرار شد۔ در عصیان مینیپولیس 1888 و نیز در عصیان قورح، رسولان برگزیدہ خدا ہمراہ با پیامی کہ ارائہ می کردند رد شدند۔ ہم نوزاد و ہم آب غسالہ با ہم بہ بیرون افکندہ شدند۔ آنان بر این مبنا طرد

شدند کہ تمامی جماعت بہ همان اندازہ کہ خدا برگزیدہ بود، مقدس بودند۔ شورشیان قادر نبودند الوہیت را در کنار رسولان بشری ببینند۔ ہرچہ می‌دیدند خود ایشان بود، یعنی انسانیتی تھی از الوہیت؛ از این رو می‌پنداشتند کہ ہمہ یکسان اند۔

Ahora bien, Coré hijo de Izhar, hijo de Coat, hijo de Leví, y Datán y Abiram, hijos de Eliab, y On, hijo de Pelet, hijos de Rubén, tomaron gente; y se levantaron contra Moisés, junto con algunos de los hijos de Israel, doscientos cincuenta príncipes de la congregación, hombres de renombre, famosos en la asamblea. Y se juntaron contra Moisés y contra Aarón, y les dijeron: ¡Basta ya de vosotros!, pues toda la congregación, cada uno de ellos, es santa, y el Señor está en medio de ellos; ¿por qué, pues, os levantáis vosotros sobre la congregación del Señor? Números 16:1-3

سرکشی قورح، ۱۸۸۸ و ۱۱ سپتامبر بہ مثابہ امتناع از تسلیم شدن در برابر انتخاب الہی رہبری برگزیدہ، و در عین حال اعتماد نہادن بہ تعریفی کاذب از جماعت خدا بازنمایی می‌شود۔ ارمیا ہمین پدیدہ را مشخص می‌سازد، آن گاہ کہ سرکشان ادعا کردند: «ہیکل خداوند، ہیکل خداوند، این ہا است۔»

کلامی کہ از جانب خداوند بر ارمیا نازل شد و گفت،

در دروازہ خانہ خداوند بایست، و این کلام را در آنجا ندا کن و بگو: ای تمامی یہودا کہ از این دروازہ ہا داخل می‌شوید تا خداوند را عبادت کنید، کلام خداوند را بشنوید۔ یہوہ صباہوت، خدای اسرائیل، چنین می‌فرماید: طریق ہا و اعمال خویش را اصلاح کنید، و من شما را در این مکان ساکن خواہم ساخت۔ بر سخنان دروغین اعتماد مکنید کہ می‌گویند: این است ہیکل خداوند، ہیکل خداوند، ہیکل خداوند۔

زیرا اگر راہ ہا و اعمال خویش را بہ راستی اصلاح کنید؛ اگر داوری را میان آدمی و ہمساہ اش بہ درستی اجرا نمایید؛ اگر بر غریب و یتیم و بیوہ ظلم نکنید، و در این مکان خون بی گناہ نریزید، و بہ زیان خویش در پی خدایان دیگر نروید؛ آنگاہ شما را در این مکان، در زمینی کہ بہ پدران شما دادہ ام، تا ابدالآباد ساکن خواہم گردانید۔

اینک شما بر سخنان دروغین توکل می‌کنید، سخنانی کہ سودی نمی‌بخشند۔ ارمیا ۷:۱-۸۔

دروغ ہای یہودیان در روزگار ارمیا، همان دروغ ہای قورح و ہمدستان او، شورشیان ۱۸۸۸ و البتہ شورشیان ۱۱ سپتامبر است۔ این ہا همان دروغ ہایی ہستند کہ مستان افرایم در اشعیا بیست و ہشت در زیر آن ہا پناہ می‌شوند۔

لہذا اے تم ٹھٹھا کرنے والو، جو یروشلم میں اس قوم پر حکومت کرتے ہو، خداوند کا کلام سنو۔ کیونکہ تم نے کہا ہے، ہم نے موت کے ساتھ عہد باندھ لیا ہے، اور پاتال کے ساتھ ہمارا معاہدہ ہے؛ جب طغیانی کی مانند آفت گزرے گی تو وہ ہم تک نہ پہنچے گی، کیونکہ ہم نے جھوٹ کو اپنی پناہ گاہ بنایا ہے، اور فریب کے نیچے ہم نے اپنے آپ کو چھپا لیا ہے۔ یسعیاہ 28:14، 15۔

یہ وہ جھوٹ بھی ہے جو حق کی محبت سے محرومی کی نمائندگی کرتا ہے، جو 2 Thessalonians میں سخت گمراہی کا سبب بنتی ہے۔

اور اسی سبب خدا اُن پر سخت گمراہی نازل کرے گا تاکہ وہ جھوٹ پر ایمان لے آئیں؛ تاکہ وہ سب مجرم ٹھہرائے جائیں جنہوں نے حق پر ایمان نہ لایا بلکہ ناراستی میں خوشی پائی۔ 2 تھسلونیکوں 2:11، 12۔

«دروغ‌های فریبنده» نمایانگر آن اندیشه ابلهانه است که نجات در کلیسا یافت می‌شود، نه در رسولان برگزیده و پیام‌های برگزیده آنان. پیوند میان خدا و انسان تنها از طریق کلام او برقرار می‌گردد و پایدار می‌ماند. او کلمه است، و هیچ‌کس جز به واسطه کلمه نزد پدر نمی‌آید. مسیح به وسیله رسولان برگزیده خود و پیامی که آنان عرضه می‌کنند نمایانده می‌شود. باور داشتن خلاف این، یعنی دشمنی با حقیقت و ایمان آوردن به دروغ. ارمیا یهودیانی را که بر هیکل توکل می‌کنند محکوم می‌سازد، و ایشان را به یاد شیلوه می‌اندازد، جایی که از زمان ورود به سرزمین موعود، تابوت خدا در آن جا بود.

پس با این خانه که به نام من خوانده شده است و شما بر آن اعتماد دارید، و با این مکانی که آن را به شما و به پدرانانتان دادم، همان خواهم کرد که با شیلوه کردم. و شما را از حضور خود بیرون خواهم افکند، چنان‌که همه برادران شما، یعنی تمامی نسل افرایم را، بیرون افکنم. پس تو برای این قوم دعا مکن، و برای ایشان فریاد و استغاثه برمی‌آور، و نزد من شفاعت منما، زیرا تو را نخواهم شنید. ارمیا 7:14-16

عالی شیر و دو پسر شیرش، حُفنی و فینحاس، از آن جهت که اجازه دادند ارتداد فزاینده رشد یابد تا زمانی که مهلت آزمایش بسته شد و هر سه در یک روز مردند، با قورح، داتان و ابیرام هم‌سو و متناظرند؛ همان‌گونه که قورح، داتان و ابیرام نیز چنین شدند. همگی در هنگام قانون یکشنبه می‌میرند!

در شورش قورح در ۱۱/۹، و شورش عیلی، و شورش یهود در شهادت ارمیا، و شورشیان ۱۸۸۸، پیام‌آوران آن دوره را رد می‌کنند و بر ضد آن طغیان می‌ورزند. آن دوره پس از دو آزمون، در قانون یکشنبه به پایان می‌رسد. آزمون نخست از ۱۱/۹ تا ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ است، و آزمون دوم، پالایش و مهر شدن است که به وسیله پیام فریاد نیمه‌شب به تصویر کشیده شده است. از دل آن فرایند تطهیر، جدعون و آن سیصد تن او آماده می‌شوند که کرناهای خویش را بنوازند، و این کار را هنگامی انجام می‌دهند که سموئیل در قانون یکشنبه برانگیخته می‌شود، که همان زمانی است که تابوت به دست فلسطینیان گرفتار می‌گردد. سپس کلیسای ظافر همچون علمی برافراشته می‌شود.

آن کلیسا پادشاهی دارد، داود نام، و نبی‌ای که به وسیله حزقیال و سموئیل، در هنگام سقوط شیلوه، نمود یافته است. آن کلیسا همچنین کھانت را خواهد داشت که به وسیله یوسف نمایانده شده است. زمان آزمون قانون یکشنبه همان‌جاست که آتش روح‌القدس بی‌حد و اندازه فرو ریخته می‌شود، چنان‌که به وسیله مهر هفتم نشان داده شده است. آن آتش مردان نام‌آور را که همراه با قورح، داتان، ابیرام، عیلی، حُفنی، فینحاس و شورشیان ۱۸۸۸ عصیان کردند، هلاک می‌سازد.

همان آتش ریزش روح‌القدس، پس‌زمینه نمایش کلیسای ظفرمند است. کلیسا به وسیله داود پادشاه، حزقیال نبی و یوسف کاهن نمایانده می‌شود. این سه در میان همان آتشی ایستاده‌اند که آن دویست‌وپنجاه مرد نامدار را هلاک کرد، چنان‌که آتش نبوکدنصر نیز مردانی را که آن سه یار برگزیده را به درون کوره افکندند، از میان برد. جهان سراسر، کلیسای ظفرمند را نظاره می‌کند هنگامی که ایشان به کوره آتش افکنده می‌شوند، و ناگهان پسر خدا با نبی و کاهن و پادشاه کلیسا ظاهر می‌شود—که به وسیله شدوک، میشک و عبدنغو نمایانده شده‌اند. چهار مرد سی‌ساله در کوره آتشین، نمایانگر این حقیقت‌اند که الوهیت، چون با انسانیت متحد گردد، گناه نمی‌کند!

قورح وداتان و ابیرام، الذین هم أيضاً عالی وحفني وفينحاس، هم النظير المزيّف للكنيسة الظافرة المؤلفة من نبي وكاهن وملك. وهؤلاء الثلاثة هم ثلاثمة جدعون، والثلاثة آلاف نفس في يوم الخمسين، والوعاظ الميليرون الثلاثمة، والخراط الثلاثمة لعام 1843، الذین يبلغون ثلاثين سنة حين يصل قانون الأحد وتنزل نار من السماء. ومع إيليا كانت النار لتمييز الأنبياء الحقيقيين من الكذبة. أما النار التي تنزل في سفر اللاويين في اليوم «الثامن»، حين يبدأ هارون خدمته، فإنها تلتهم تقدمة

ہارون، وہی التقدمة المذكورة في ملاخي 3، المقبولة كما في السنين السالفة. وتلك النار عينها تُهلك الذين يقدمون ناراً غريبة أو دنسة، كما يمثلهم حفني وفينحاس، ابنا ہارون.

جب خدا ایلہا کے ساتھ سچے نبی کی، یا ہارون کے ساتھ سچے کابن کی تصدیق کرتا ہے، تو آگ بعل کے جھوٹے نبیوں کی موت کا سبب بنتی ہے، جو ہفنی اور فینحاس بھی ہیں۔ ہفنی اور فینحاس ہارون کے بیٹے ہیں؛ وہ عہد یافتہ قوم کی آخری نسل ہیں جو اتوار کے قانون کے وقت خداوند کے منہ سے اگل دی جاتی ہے۔

»این ہا سخنان خواہر وایت نیست، بلکه سخنان خداوند است، و پیام آور او آن ہا را بہ من دادہ است تا بہ شما برسانم۔ خدا شما را فرامی خواند کہ دیگر در خلاف جہت مقصود او عمل نکنید۔ تعلیمات بسیاری درباره کسانی دادہ شد کہ مدعی اند مسیحی ہستند، حال آنکہ صفات شیطان را آشکار می سازند و در روح، کلام، و عمل، پیشرفت حقیقت را خنثی می کنند، و بی تردید در راہی گام برمی دارند کہ شیطان آنان را در آن ہدایت می کند۔ در سختی دل خویش، اقتداری را بہ چنگ آورده اند کہ بہ ہیچ وجہ از آن ایشان نیست و نباید آن را اعمال کنند۔ آن معلم بزرگ می فرماید: "واژگون خواہم کرد، واژگون خواہم کرد، واژگون خواہم کرد۔" مردمان در بتل کریک می گویند: "ہیکل خداوند، ہیکل خداوند، ماییم"، اما آنان از آتشی عادی استفادہ می کنند۔ دل ہای ایشان بہ وسیلہ فیض خدا نرم و مطیع نشدہ است۔» Manuscript Releases, جلد 13, 222.

»آتش معمولی« همان آتشی است کہ پسر ہارون در آغاز کہانت بہ کار برد۔ عدد «۸۱» نماد کہانت است، و در لاویان باب ہشت، آیہ یک، ہفت روز تطہیر و تقدیس کاہن بہ تصویر کشیدہ شدہ است۔ جامہ ہای ایشان از تنشان بیرون آورده می شود و با جامہ ہای کاہن اعظم آسمانی جایگزین می گردد، چنان کہ در رؤیای زکریا درباره یوشع و فرشتہ در باب سوم تصویر شدہ است۔ آن ۳۰۰ تن در زکریا بہ صورت «مردانی کہ مایہ شگفتی اند» معرفی شدہ اند، زیرا ایشان در تاریخ نمایانگر زمانی بودند کہ خدا گناہان قوم خود را برمی دارد، یعنی قانون یکشنبہ، ہنگامی کہ کلیسا از حالت مجاہد بہ پیروزمند دگرگون می شود۔ پس از ہفت روز تقدیس، در روز ہشتم آغاز بہ خدمت کردند۔

اور تم سات دن تک خیمہ اجتماع کے دروازے سے باہر نہ جانا، جب تک تمہاری تخصیص کے دن پورے نہ ہو جائیں؛ کیونکہ وہ تمہیں سات دن تک مخصوص کرے گا۔ احبار 8:33.

روز ہشتم، نمادی است از آن ہشتمی کہ از آن ہفت است؛ از تبدیل لائودیکہ بہ فیلا دلفیا؛ از ہشت نفری کہ در کشتی نوح بودند؛ از روز ہشتم ختنہ؛ و از روز ہشتم قیام۔ آن روز، قانون یکشنبہ است، ہنگامی کہ زخم مہلک پاپیت شفا می یابد، و از این رو، چون قیام کردہ است، همان ہشتم می گردد کہ از آن ہفت است۔

و در روز ہشتم واقع شد کہ موسی، ہارون و پسران او و مشایخ اسرائیل را فراخواند۔ لاویان ۹:۱.

پہ اتمہ ورخ کاهنانو خدمت پیل کر، خو د ہارون زامنو «عادی اور» وړاندې کر۔ ادوبن ټیزم ادعا کوي چې دوی د څښتن هیکل دي، او خور وای ټ دغه ادعا د عادي اور په توګه وپېژندله۔ دا نه یوازې دروغ دي، بلکې عادي اور هم دی، د مقدس اور پر خلاف۔ مقدس اور د نیمې شپې د فریاد پیغام دی، او عادي اور هغه جعلي د سولې او امنیت پیغام دی، چې د هغه وروستی پیغام به وي چې هغو ګونګو سپو اعلان کړ چې له غپا کولو او د خبرداري پیغام له ورکولو یې انکار کړی و۔ په نهم فصل کې، ہارون نذرانہ وړاندې کوي، او له آسمان څخه اور راکوزېږي او نذرانہ سوځوي۔ بیا د هغه دوه بدکار زامن عادي اور وړاندې کوي، او د خدای اور هغوی له منځه وړي۔

اور ہارون نے لوگوں کی طرف اپنا ہاتھ اٹھایا، اور اُنہی برکت دی، اور خطا کی قربانی، سوختنی قربانی، اور سلامتی کی قربانیوں کے چڑھانے سے نیچے اُترا۔ اور موسی اور ہارون خیمہ اجتماع میں

گئے، پھر باہر آ کر لوگوں کو برکت دی؛ اور خداوند کا جلال سب لوگوں پر ظاہر ہوا۔ اور خداوند کے حضور سے آگ نکلی، اور اُس نے قربان گاہ پر سوختنی قربانی اور چربی کو بہسم کر دیا؛ یہ دیکھ کر سب لوگ للکار اُٹھے اور اپنے منہ کے بل گر پڑے۔ اور ہارون کے بیٹوں، ندب اور ابیہو، میں سے ہر ایک نے اپنا اپنا مجمر لیا، اور اُس میں آگ ڈالی، اور اُس پر بخور رکھا، اور خداوند کے حضور اجنبی آگ گزران دی، جس کا اُس نے انہیں حکم نہ دیا تھا۔ تب خداوند کے حضور سے آگ نکلی اور اُن کو کھا گئی، اور وہ خداوند کے حضور مر گئے۔ احبار 9:22-10:2۔

مردانِ باتل کریک شورای سنہدین معاصرند کہ بیش از پیام شاہدِ امین بہ لائودکیہ، بر ساختار کلیسائی خود اعتماد دارند۔ شاہدِ امین بہ لائودکیہ، مسیح است، و او ہرگز تغیر نمی‌کند، و ہموارہ مردانی را کہ خود برگزیدہ است بہ کار گرفته تا این پیام را بہ قومی برسانند کہ صفاتِ لائودکیہ را آشکار می‌ساختند۔ زیرِ آفتاب ہیچ چیز تازہ‌ای نیست۔

او موسیٰ را برگزید، کسی را کہ تنها بہ دست خدا بہ مدت چہل سال تعلیم یافتہ بود، همان‌گونہ کہ عیسیٰ و پسرعمویش یحییٰ تعلیم یافتہ بودند۔ او موسیٰ، مسیح و یحییٰ را بہ عنوان نمونہ‌هایی از کسانی برگزید کہ بیرون از نظام رسمی آموزشی تعلیم یافتہ بودند۔ ناصرہ نماد شخصی است کہ برگزیدہ شدہ است، چنان کہ آن تازہ بہ دوران رسیدگان؛ جونز و واگنر در شورش مینیاپولیس ۱۸۸۸، بودند۔ ناصرہ نمایانگر دعوت و تقدیس مردی برگزیدہ است، اما آن مرد برگزیدہ شہروندی شہری است کہ مورد بی‌احترامی است۔

و تَنائیل بدو گفت: آیا از ناصرہ چیزی نیکو می‌تواند برخیزد؟ فیلیپس بدو گفت: بیا و ببین۔ یوحنا ۱:۴۶۔

زبان‌های لکنت‌دار اشعیا ۲۸، نمایانگر کسانی هستند کہ از ناصرہ آمدند۔ پس از رسمی‌شدن پیام میلر در سال ۱۸۳۱، آن پیام بہ واسطہ تحقق نبوتِ وای دوم قدرت یافت، کہ نمونہ‌ای از تحقق نبوتِ وای سوم در ۱۱ سپتامبر بود۔ سومین نبوتِ مسیحایی را در مقالہ بعدی بررسی خواهیم کرد۔

«سہ شب پیش از آنکہ دفتر ریویو بسوزد، در جان‌گذاری‌ای بودم کہ واژہ‌ها از وصفش ناتوان‌اند۔ نتوانستم بخوابم۔ در اتاق راہ می‌رفتم و از خدا می‌خواستم کہ بر قوم خویش رحم آورد۔ سپس چنان نمود کہ در دفتر ریویو هستم، در کنار مردانی کہ ادارہ آن مؤسسہ را بر عہدہ دارند۔ می‌کوشیدم با آنان سخن بگویم و بدین‌سان بہ ایشان یاری رسانم۔ یکی کہ صاحب اقتدار بود، برخاست و گفت: "شما می‌گویید: ہیکل خداوند، ہیکل خداوند ما هستیم؛ پس اختیار داریم این کار و آن کار و آن کار دیگر را انجام دہیم۔ اما کلام خدا بسیاری از کارہایی را کہ در پی انجام آن هستید، منع می‌کند۔" در نخستین آمدن خود، مسیح ہیکل را تطہیر کرد۔ پیش از آمدن دوم خود نیز بار دیگر ہیکل را تطہیر خواہد کرد۔ او آنجا بود و ہیکل را تطہیر می‌کرد۔ چرا؟ زیرا کارہای تجارتی بدان راہ یافتہ بود و خدا بہ فراموشی سپردہ شدہ بود۔ با شتابی در اینجا و شتابی در آنجا و شتابی در جایی دیگر، دیگر وقتی برای اندیشیدن بہ آسمان نبود۔ اصول شریعت خدا عرضہ شد، و شنیدم کہ این پرسش مطرح گردید: "چہ اندازہ از شریعت را اطاعت کردہ‌اید؟" سپس این کلام گفتہ شد: "خدا ہیکل خود را در غضب خویش پاک خواہد ساخت و تطہیر خواہد نمود۔"»

«در رؤیاهای شب دیدم کہ شمشیر آتشی بر فراز بتل کریک آویختہ بود۔»

«برادران، خدا با ما جدی است۔ می‌خواہم بہ شما بگویم کہ اگر پس از ہشدارہایی کہ در این آتش‌سوزی‌ها دادہ شد، رہبران قوم ما همچنان، همان‌گونہ کہ در گذشتہ کردہ‌اند، بہ راہ خود ادامہ دہند و خود را برکشند، خدا این بار جان‌ها را خواہد گرفت۔ بہ یقین حیات او، با آنان بہ زبانی سخن خواہد گفت کہ نتوانند از فہم آن بازمانند۔»

«خدا ما را می‌نگرد تا ببیند آیا مانند کودکان خردسال در حضور او فروتن خواهیم شد یا نه. اکنون این سخنان را می‌گویم تا با فروتنی و توبه نزد او بیاییم و دریابیم که او از ما چه می‌خواهد.» Publishing Ministry, 170, 171.

«پیام برای این زمان این نیست که: "هیكل خداوند، هیكل خداوند، هیكل خداوند ما هستیم." خداوند چه کسانی را به‌عنوان ظروفی برای عزت می‌پذیرد؟—آنان را که با مسیح همکاری می‌کنند؛ آنان را که به حقیقت ایمان دارند، حقیقت را زیست می‌کنند، و حقیقت را در همهٔ وجوه آن اعلام می‌دارند.» Review and Herald, October 22, 1903.

«این‌ها سخنان خواهر وایت نیست، بلکه سخنان خداوند است، و رسول او آن‌ها را به من سپرده است تا به شما برسانم. خدا شما را فرامی‌خواند که دیگر در جهت مخالف او عمل نکنید. تعلیمات بسیاری دربارهٔ کسانی داده شد که ادعا می‌کنند مسیحی‌اند، در حالی که صفات شیطان را آشکار می‌سازند و در روح، گفتار و کردار، پیشرفت حقیقت را خنثی می‌کنند، و بی‌گمان در همان راهی گام برمی‌دارند که شیطان آنان را در آن رهبری می‌کند. آنان در سختی دل‌خویشی، اختیاری را به چنگ آورده‌اند که به هیچ‌وجه از آن ایشان نیست و نباید آن را به کار برند. آن معلم عظیم می‌فرماید: "واژگون خواهیم کرد، واژگون خواهیم کرد، واژگون خواهیم کرد." مردم در بتل کریک می‌گویند: "هیكل خداوند، هیكل خداوند ماییم"، اما آنان از آتش عادی استفاده می‌کنند. دل‌های ایشان به فیض خدا نرم و مطیع نگردیده است.» Manuscript Releases, جلد 13، 222.